

تغییر اجتماعی و توسعه

مروری بر نظریات

نوسازی، وابستگی و نظام جهانی

تألیف:

آلین ی. سو

ترجمه:

محمود حبیبی مظفری

با مقدمه دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی

چاپ اول ۱۳۷۸

چاپ دوم ۱۳۸۰

چاپ سوم ۱۳۸۶

چاپ چهارم ۱۳۸۸

چاپ پنجم ۱۳۹۰

چاپ ششم ۱۳۹۲



پژوهشگاه مطالعات راهبردی

So, Alvin Y.

سو، آلوین، ۱۹۵۳ - م

تغییر اجتماعی و توسعه: مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی / تالیف آلوین ی. سو؛ ترجمه محمود حبیبی
مظاهری. - تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۲۶۲ ص.

ISBN: 978-600-5282-06-1

۱۰۰/۰۰۰ ریال

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرستویسی پیش از انتشار):

عنوان اصلی: Social change and development: modernization, dependency and world systems theories

۱. رشد اقتصادی ۲. رشد اقتصادی - جنبه‌های اجتماعی ۳. وابستگی ۴. سرمایه داری. الف. حبیبی مظاهری، محمود، ۱۳۴۲
- مترجم. ب. پژوهشکده مطالعات راهبردی. ج. عنوان.

۳۰۶/۳

۱۳۸۷ ت ۷ ۹ ص / HD ۷۵

۱۳۳۸۳۹۰

کتابخانه ملی ایران

این اثر ترجمه ای از:

SOCIAL CHANGE AND DEVELOPMENT: MODERNIZATION,
DEPENDENCY AND WORLD SYSTEMS THEORIES,
BY ALVIN, Y. SO, SAGE PUBLICATIONS, Inc. 1990

تغییر اجتماعی و توسعه

مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی

نویسنده: آلوین. ی. سو

ترجمه: محمود حبیبی مظاهری

ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی

نوبت چاپ: ششم ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کامیاب

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۲۸۲ - ۰۶ - ۱

تهران خیابان کریم‌خان زند، خیابان آبان جنوبی، خیابان رودسر شرقی، شماره ۷

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۱۸۹

دورنگار: ۸۸ ۸۹ ۶۵ ۶۱

تلفن: ۸۸ ۹۱ ۲۸ ۳۰

تلفکس انتشارات: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۶ روابط عمومی: ۸۸ ۸۰ ۲۴ ۷۷

کلیه حقوق برای پژوهشکده مطالعات راهبردی محفوظ است.



پژوهشکده مطالعات راهبردی

فهرست مطالب

۷.....	سخنی درباره نویسنده
۹.....	سخن ناشر
۱۵.....	پیشگفتار
۱۹.....	مقدمه
۲۳.....	بخش اول - مکتب نوسازی
۲۵.....	فصل اول: منشاء و خاستگاه نوسازی
۴۵.....	فصل دوم: مطالعات اولیه نوسازی
۶۷.....	فصل سوم: مطالعات نوسازی جدید
۹۱.....	پانوشتها
۹۵.....	بخش دوم - مکتب وابستگی
۹۷.....	فصل اول: منشاء و خاستگاه وابستگی
۱۱۳.....	فصل دوم: مطالعات سستی وابستگی
۱۳۵.....	فصل سوم: مطالعات وابستگی جدید
۱۶۲.....	پانوشتها

۱۶۷	بخش سوم - مکتب نظام جهانی
۱۶۹	فصل اول: منشاء و خاستگاه نظام جهانی
۱۹۵	فصل دوم: مطالعات جهان شمول در دیدگاه نظام جهانی
۲۱۷	فصل سوم: مطالعات ملی در دیدگاه نظام جهانی
۲۴۹	فصل چهارم: نتیجه‌گیری
۲۵۶	پانوشتها

www.ketab.ir

سخنی درباره نویسنده

«آلویس.ی.سو» در هنگ کنگ بدنیا آمده و با گذراندن سال‌های اولیه عمر خود در آنجا، به دریافت درجه لیسانس از «دانشگاه چینی هنگ کنگ» نائل گردید. وی سپس با ادامه تحصیلات خود در رشته جامعه‌شناسی در «دانشگاه کالیفرنیا» در لوس آنجلس موفق گردید درجات فوق‌لیسانس و دکترای خود را نیز از دانشگاه مزبور اخذ نماید. «سو» از سال ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ در «دانشگاه هنگ کنگ» تدریس داشته و اکنون نیز استادیار «دانشگاه هاوایی» در «مانوآ» می‌باشد و در اینجا دروس مختلفی را از جمله «تغییر اجتماعی و توسعه»، «نظریه‌های معاصر جامعه‌شناسی»، «نظریه ستیز اجتماعی»، «مردم و نهاد‌های چین»، «سمینار چین جدید» و «مقدمه جامعه‌شناسی» تدریس نموده است.

وی در سال ۱۹۸۹ به واسطه تدریس بسیار عالی خود موفق به دریافت «مدال ریجنت» از «دانشگاه هاوایی» گردید. همچنین علایق تحقیقاتی «سو» در درجه نخست معطوف به حوزه‌هایی مانند توسعه جهان سوم، نظریه طبقه اجتماعی، روابط قومی چین و هنگ کنگ می‌باشد. ایشان به تألیف کتاب «منطقه ابریشم در جنوب چین: تحولات تاریخی داخلی و نظریه نظام جهانی» (SUNY Press 1986) نیز دست زده و همچنین مقالاتی نیز به قلم وی در نشریات زیر به چاپ رسیده است:

Annual Review of Sociology, The Insurgent Sociologist, Sociology And Social Research, Scandinavian Journal of Development Alternatives, Review, Journal of Ethnic Studies, Urban Education, National Journal of Bilingual Education, International Journal of Social Psychiatry, and Asian Profile.

سخن ناشر

مباحث پیرامون توسعه از جمله موضوعات علمی و کاربردی مهمی است که علی‌رغم ضرورت و عینیت آن در ادبیات سیاسی کشور ما جایگاه خود را بازنیافته است و نوعاً واژه توسعه به شکل تعریف نشده و بی‌توجه به مفهوم‌بندی دقیق و قبض و بسط مفهومی تاریخی آن در چارچوب مکاتب فکری مختلف به کار می‌رود. ناشر اثر حاضر، این ترجمه را به امید افزودن بر غنای مباحث توسعه به شکل علمی و عینی آن برگزیده است.

کتاب "تغییرات اجتماعی و توسعه" نوشته ال‌رین، ی. سو با رویکردی تطبیقی، سه مکتب فکری عمده توسعه طی دهه‌های اخیر یعنی مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. الوین سو با عنایت به تحولات تاریخی و بررسی نمایندگان شاخص مکاتب نوسازی و وابستگی، این دو نحله را به دو گروه مطالعات سنتی و جدید تقسیم کرده و در نهایت پنج دیدگاه عمده پیرامون روند توسعه در جهان را فراروی مخاطبان خویش قرار می‌دهد. هدف کتاب حاضر به‌رغم نویسنده اثر، نشان دادن این واقعیت است که هر سه مکتب فکری علی‌رغم وارد شدن اشکالات جدی به آنها در سالهای بایان قرن بیستم همچنان پویا و فعال هستند. هر سه مکتب با تأمل پیرامون انتقادات وارده و ایجاد تغییر در نگرش اولیه به حیاتی دوباره دست یافته‌اند. این امر گویای این واقعیت است که برخلاف دیدگاه برخی روش‌شناسان مانند توماس کوهن، پارادایم‌ها در علوم اجتماعی شکل تکاملی تدریجی دارند و هیچ‌گاه در قالب یک انقلاب علمی، یک پارادایم نو جایگزین پارادایم کهن نمی‌شود.

نویسنده در بخش اول به معرفی مکتب نوسازی، مطالعات اولیه و نوسازی جدید را همراه با ذکر مواردی از پژوهش انجام شده در قالب این پارادایم می‌پردازد.

در بخش دوم به همین ترتیب مطالعات سنتی و جدید در قالب مکتب وابستگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نهایت نویسنده در بخش سوم با معرفی مکتب نظام جهانی و مطالعات سطح ملی جهانشمول توسعه به نتیجه‌گیری پرداخته و دیدگاه خود درباره تکامل تدریجی پارادایم‌های مزبور را بیان می‌دارد. به همین دلیل

نویسنده اثر خود را نقطه پایان ادبیات توسعه نمی‌داند. در واقع ویژگی بارز کتاب نیز نگرش علمی و عینی و مقایسه‌ای نویسنده به هر یک از مکاتب مزبور و بررسی عمده پژوهش‌های موردی انجام شده در چارچوب هر یک از آنهاست.

در پایان معاونت پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی با تقدیم ترجمه این کتاب به ساحت جامعه علمی کشور، لازم می‌داند از زحمات کلیه عزیزانی که نشر کتاب بدون همراهی آنان میسر نمی‌شد از جمله مترجم و ویراستار محترم، همکاری دفتر نظارت و ارزیابی تحقیقات و همچنین دفتر چاپ و نشر تشکر نموده و موفقیت آنان را از حضرت حق مسئلت دارد.

معاونت پژوهشی

مقدمه

کتاب آلوین سو تحت عنوان "تغییر اجتماعی و توسعه" به بررسی دقیق و موشکافانه سه پارادایم عمده در ادبیات توسعه یعنی مدرنیزاسیون، وابستگی و نظام جهانی می‌پردازد. از فردای جنگ دوم جهانی شاهد ظهور و گسترش نظریه‌های توسعه بوده‌ام که دغدغه اصلی آنها در ظاهر توصیف و تبیین وضعیت نابسامان کشورهای جهان سوم و ارائه راه‌حل برای بهبود آن و در نهایت توسعه بوده است. هدف اصلی نویسنده کتاب این است که ضمن فراهم آوردن یک کتاب درسی برای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی از جمله علوم سیاسی، نشان دهد که سه پارادایم عمده مذکور در بالا همچنان به حیات خود ادامه داده و هیچکدام از بین نرفته‌اند. عبارت دیگر، نویسنده با اشاره مختصر به ملل توماس کوهن در ارتباط با چگونگی رشد و توسعه علوم، آنرا با استفاده از دانش توسعه نقد کرده است. آلوین سو برخلاف کوهن معتقد به رشد انباشتی علم بوده و استدلال می‌کند که علم توسعه به عنوان یکی از رشته‌های نرغی علوم اجتماعی به شکل انباشتی رشد کرده و هیچکدام از پارادایم‌های اولیه از بین نرفته‌اند. به همین دلیل او معتقد است پارادایم مدرنیزاسیون همچنان به پویایی خود ادامه داده و پارادایم وابستگی جایگزین آن نشده است. آلوین سو در نهایت به نوعی همزیستی میان پارادایم‌ها معتقد شده و چنین بیان می‌دارد که هر یک از پارادایم‌ها با انتقاداتی که به دیگری وارد ساخته زمینه کمال و توسعه آنرا فراهم نموده است.

یکی از نکات مثبت کتاب حاضر این است که نویسنده به نحوی منظم و سیستماتیک به بررسی این سه پارادایم پرداخته است. به عبارت دیگر، او با طرح پنج سؤال و تلاش برای یافتن پاسخهایی به آنها از درون هر یک از سه پارادایم، این پارادایم‌ها را توصیف، تبیین و نقد کرده است. این پنج سؤال ناظر بر علل ظهور پارادایم‌ها، تفاوت‌های آنها، مطالعات تجربی بر مبنای آنها، انتقادات وارده بر آنها و پاسخهای پارادایم‌ها به انتقادات مزبور می‌باشند.

در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی، پارادایم مدرنیزاسیون، پارادایم مسلط در رشته توسعه بود. این پارادایم در فضایی ایجاد گردید که ایالات متحده در اوج قدرت قرار داشت، گسترش نفوذ کمونیسم یک خطر جدی برای

آمریکا و غرب تلقی می‌شد و به علت واگرایی امپراطوری استعماری اروپا، کشورهای تازه استقلال یافته یکی بعد از دیگری در حال ظهور بودند. به اعتقاد نویسنده کتاب، پارادایم مدرنیزاسیون از لحاظ نظری ریشه در نظریه‌های تکاملی (تحول تک خطی است)، تحول به سمت یک مقصد عالی و نهایی که همان ترقی و تمدن است می‌باشد و تحول به شکلی آهسته از جوامع ساده به سوی جوامع پیچیده صورت می‌گیرد) و نظریه کارکردگرایی (عمدتاً عقاید پارسونز مبتنی بر اینکه جامعه مانند ارگان زیستی دارای اجزایی است که هر یک کارویژه‌های مخصوص به خود را دارند) داشت.

پارادایم وابستگی در آمریکای لاتین ظهور کرد و پاسخی بود هم به شکست برنامه‌های کمسیون اقتصادی آمریکای لاتین (ECLA) در اوایل دهه ۱۹۶۰ هم به بحران مارکسیسم ارتودوکس که معتقد بود آمریکای لاتین قبل از انقلاب صنعتی پرولتاریا را باید از مرحله انقلاب صنعتی بورژوازی عبور نماید. به اعتقاد سو، وابستگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ به شکل پارادایم مسلط در رشته توسعه درآمد. این مکتب در اندیشه‌های اقتصاد دانانی چون راثول پریش که معتقد به سیاست جایگزینی واردات بود و اندیشه‌های نومارکسیستی که بر عواقب منفی امپریالیسم تأکید می‌گذاشت، ریشه داشت. پارادایم وابستگی انتقاداتی جدی بر پارادایم مدرنیزاسیون وارد ساخته و کلیه مفروضات آنرا به شکل واژگونه درآورد.

مکتب نظام جهانی سومین پارادایمی است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. آلون سو برخلاف نظریاتی که معتقدند نظام جهانی جزئی از پارادایم وابستگی است (وابستگی جدید)، استدلال می‌کند که این خود پارادایمی مجزاست. این مطلب نیز یکی از نکات کلیدی این کتاب است و در واقع یکی از اهداف عمده نوشتن آن بشمار می‌رود. چهره شاخص پارادایم نظام جهانی امانوئل والرشتاین است. وی با توجه به موارد رشد سریع در آسیای شرقی، بحران کشورهای سوسیالیستی و بحران نظام سرمایه‌داری در آمریکا که پارادایم وابستگی قادر به تبیین آنها نبود، اقدام به نظریه‌پردازی کرد. به اعتقاد سو، پارادایم نظام جهانی از لحاظ فکری ریشه در نومارکسیسم از یکسو و مکتب تاریخی فرناند برادل از سوی دیگر دارد. ویژگی شاخص روش‌شناختی پارادایم نظام جهانی، تمرکز بر نظامهای تاریخی است. او نظامها را در طول تاریخ به نظامهای کوچک (Mini-systems)، امپراطوریهای جهانی (World Empires) و اقتصادهای جهانی (World Economies) تقسیم می‌نماید. والرشتاین معتقد است نظام جهانی سرمایه‌داری از ابتدای قرن شانزدهم میلادی به بعد ظهور نموده است.

آلون سو با بررسی دقیق این پارادایمها تلاش نموده تا نشان دهد تحولات در دیدگاههای نظری در رشته توسعه چگونه اتفاق افتاده و سمت‌گیری‌های پژوهشی چگونه بوده است. این کتاب نه تنها به خواننده نقشه جامعی از سه پارادایم عمده توسعه ارائه می‌دهد، بلکه نوسانات تئوریک آنها را نیز بخوبی شفاف می‌سازد. او با انتقاد از نظریه انقلاب علمی کوهن معتقد است با مطالعه رشته توسعه می‌توان دریافت که اولاً، پارادایمها

می‌توانند به حیات خود ادامه دهند؛ ثانیاً، هر پارادایم می‌تواند تا حدی خود را اصلاح نماید و ثالثاً، امکان یک رشته علمی پلورالیستی (بصورت همزیستی چند پارادایم با یکدیگر) نیز میسر می‌باشد. البته نویسنده به یک پرسش عمده در ادبیات توسعه پرداخته، مبنی بر اینکه آیا می‌توان ادعا کرد بعد از سالیان متمادی که از نظریه پردازی در این رشته می‌گذرد، ما دارای یک علم اجتماعی توسعه هستیم؟ به عبارت دیگر، آیا کلیه نظرات و انتقادات و اصلاحاتی که صورت گرفته منجر به یک علم توسعه شده است؟ نویسنده فقط در تحلیل نهایی معتقد به نوعی قریب میان این پارادایمها می‌باشد.

به اعتقاد نگارنده، هر چند شاید نتوان مدعی وجود یک علم اجتماعی توسعه در حال حاضر شد، اما نتایج و درسهای که از سالیان گذشته مباحث توسعه اخذ شده را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد که دیگر دوران نظریه‌های عام و فراگیر به سر رسیده و به دوران خرده‌تئوریا که ناظر بر موارد مشخص می‌باشند رسیده‌ایم. این کتاب می‌تواند خوبی این نتیجه‌گیری را تأیید نماید. اشکال عمده متدولوژیک هر یک از سه پارادایم مدرنیزاسیون، وابستگی و نظام جهانی در ادعای آنها مبنی بر جهانشمول بودن می‌باشد. بعد از سالها تلاش توسط دولتمردان و مجریان توسعه در کشورهای جهان سوم که همگی به انحاء مختلف از این نظریه‌پردازیها بهره برده‌اند و عدم دسترسی به وعده‌های هر یک از این پارادایمها (یعنی توسعه)، نوعی سرخوردگی عملی از یکسو و وقفه‌تئوریک از سوی دیگر قابل ملاحظه است. نه تنها کشورهای جهان سوم به یک حالت نومیدی رسیده و آن خوش‌بینی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ را از دست داده‌اند، بلکه در نظریه‌پردازی توسعه نیز نوعی رکود و سکوت حاکم گردیده است. واقعیت موجود هیچکدام از این نظریه‌ها و پارادایمها را به طور کامل تأیید نمی‌کند. علاوه بر این هیچکدام از نسخه‌گیرهای توماس کوهن یا آوین سو نیز بنحو کاملاً صحت ندارند. ما در حال حاضر شاهد رجعت به نظریه‌هایی هستیم تحت عنوان نظریه‌های اقتصادی نئوکلاسیک که آبخور اصلی‌شان همان پارادایم مدرنیزاسیون می‌باشد. این نظریات که عمدتاً صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مروج آنها هستند، هیچگونه نگاهی به مباحث توسعه در سالیان دراز بعد از جنگ نداشته و از تجربیات موجود درس نمی‌آموزند. ادعای فراگیر بودن همچنان باقی است و به علت سلطه‌ای که پیدا کرده‌اند دولتمردان جهان سوم را به قید اسارت اندیشه‌های خود درآورده‌اند. بدین ترتیب اولاً نتیجه‌گیری کوهن در مورد انقلابات علمی، در رشته توسعه همانطور که نویسنده کتاب نیز بیان می‌دارد، صحت ندارد. ثانیاً، نتیجه‌گیری نویسنده مبنی بر اینکه پارادایمها از یکدیگر درس می‌گیرند، به اصلاح خود می‌پردازند و همزیستی آنها ممکن است، نیز بطور کامل درست نیست. زیرا در حال حاضر شاهد هستیم که نظریه مسلط نئوکلاسیک توسعه همان ادعاها و مفروضاتی را که بطلان آنها حداقل در مباحث نظری و آکادمیک تأیید شده، نادیده می‌انگارد.

نکته آخر اینکه نگارنده مطالعه این کتاب را به کلیه دانشجویان و پژوهشگران توسعه توصیه می‌نماید. این کتاب به شکلی بسیار منظم به نگارش درآمده و بخوبی تصویری جامع از سالیان دراز نظریه‌پردازی در رشته توسعه تا اواخر دهه ۱۹۸۰ را نشان می‌دهد. دانشجویان رشته‌های علوم اجتماعی بخصوص علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌توانند با مطالعه این کتاب تصویری تقریباً کامل از ادبیات توسعه تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی بدست آورند.

امیر محمد حاجی یوسفی

استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

بهمن ماه ۱۳۷۷

www.ketab.ir

پیشگفتار

با وجود اینکه من طی پنج سال گذشته تدریس درسی را در زمینه توسعه برعهده داشته‌ام، متأسفانه هنوز موفق نشده‌ام متن درسی کاملاً مناسبی را برای کلاسهای خود بیابم. کتب موجود در این زمینه نیز اکثراً قدیمی بوده و بالطبع نظریات جدیدی چون نظام جهانی را دربر ندارند. دیگر آثاری که در آنها تحلیل‌های نظری پیچیده‌تری ارائه شده است، نیز غالباً فاقد مروری عینی بر سایر نظریات توسعه می‌باشند. با وجود اینکه مطالعات تجربی خوب نیز در این زمینه کم نیست، اما تخصصی بودن بیش از حد آنها مانع از این می‌شود که آثار مزبور بتوانند بررسی جامع و همه‌جانبه‌ای را از مسایل مهم در این حوزه ارائه نمایند.

غالب اوقات من بحث‌های خود را صرفاً با ارائه مجموعه‌ای از تئوری‌ها و مطالعات تجربی به پایان برده‌ام، اما چنانکه ثابت شده است، درک همین موارد نیز برای دانشجویان مبتدی و حتی دانشجویانی که بتازگی فارغ التحصیل شده‌اند، چندان آسان نیست.

با این حال انگیزه‌ای که در نهایت مرا به نوشتن کتابی در زمینه توسعه وادار نمود، به غیر از حل این مشکلات، بحث‌های فراوانی بود که من با همکاران خود در این زمینه داشتم. یک سال پیش ضمن شرکت در جلسه‌ای که "آندره گوندر فرانک" سخنرانی آن را برعهده داشت، این سخنران را از وی شنیدم که: «مکتب نوسازی به یک جسم بی‌جان مبدل شده و در طول دو دهه گذشته هیچ اثر جدیدی از خود عرضه نداشته است». در مناسبت دیگری، یکی از همکاران من در یک کمیته اظهار داشته بود که «چشم‌انداز نظام جهانی، صرفاً جلوه دیگری از دیدگاه وابستگی به‌شمار می‌رود و چون هر دو عمر خود را در دهه ۱۹۸۰ گذرانده‌اند، نباید بیش از این توجه خود را صرف آنها نمایم». اما آیا این واقعا صحیح است که مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی در دهه ۱۹۸۰ هیچ چیز جدیدی برای عرضه در اختیار ندارند؟ به اعتقاد من مشکل واقعی در اینجاست که بسیاری از دانش‌پژوهان به مطالعه چند اثر کلاسیک از این مکاتب بسنده نموده و در پیگیری آثار جدید منتشره در این زمینه‌ها کوتاهی نموده‌اند. در نتیجه باید گفت پژوهش‌های جالبی که سه مکتب مزبور در خلال دو دهه گذشته به انجام رسانده‌اند، از دید آنان پنهان مانده است.

هدف کتاب حاضر نشان دادن این واقعیت است که هر سه مکتب مزبور، هنوز نیز در دهه ۱۹۸۰ از مکاتب کاملاً فعال به‌شمار می‌روند. این مکاتب با همت و تلاش دانش‌پژوهانی که، با گوش فرادادن به نکات قوی مطرح شده از سوی منتقدین خود، به درج نگرش‌های آنان در مطالعات اخیر خود پرداخته‌اند، به حیاتی دوباره دست یافته‌اند. از این حیث باید به اندیشمندان علوم اجتماعی نیز توصیه نمود به‌جای اینکه قضاوت خود در مورد شایستگی‌های این مکاتب را بر پایه مطالعات تجربی "کلاسیک" آنان در پیش از دهه ۱۹۷۰ قرار دهند، براساس مطالب جدید منتشره از سوی آنان (که من آنها را مطالعات "توسازی جدید"، مطالعات "وابستگی جدید" و مطالعات "جهانشمول" و "ملی" نظام جهانی نامیده‌ام) در مورد آنها داوری کنند.

برای من رضایت‌بخش‌ترین قسمت نگارش این کتاب، اعتراف به دین‌های زیادی است که برگردن خود دارم. علاقه من به مبحث توسعه، در آغاز با گذراندن یک درس جالب با پروفسور "امبروز کینگ"^۱ در دانشگاه چینی هنگ کنگ شروع شد.

پس از آن شرکت در چندین سمینار مهم، با حضور اساتیدی چون "لوسی چنگ"، "جان هورتون"، "بیل روی"، "سام سوراس" و "موریس زایتلین"^۲ در دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس، باز هم علاقه مرا به این رشته بیشتر نمود. از آغاز دوره تدریس خود در دانشگاه هاوایی، از نظریات مشترک با اساتیدی چون "هاگن کو"، "راوی پالات"، "والتر گلد فرانک"، "باب استافر"، "پت اشتاین هوف"، "استیون یه"^۳ و همچنین اعضای گروه مطالعاتی اقتصاد سیاسی در موضوع توسعه، بهره فراوان برده‌ام. همچنین ما به مراتب حق‌شناسی خود را از پروفسور "دان تاپینگ"^۴ رئیس «مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی» در دانشگاه هاوایی نیز که هنگام آماده‌سازی نشر این کتاب، با سبک کردن بار تدریس اینجانب کمک فراوانی به من نمود، ابراز دارم.

علاوه بر این از چندتن از دانشجویان فارغ‌التحصیل دانشگاه هاوایی نیز تشکر می‌کنم. "سوار سونو" و "ماکرینا آبنوجا"^۵ نظرات بسیار مفیدی در مورد پیش‌نویس اولیه متن ارائه نمودند. "سونگنام چو"^۶ نیز، گرچه فرصت همکاری با من در نگارش این کتاب را نداشت، اما هنوز هم برای کمک‌های وی در تنظیم طرح اولیه کتاب، خود را عمیقاً مدیون او می‌دانم. همچنین پرسش‌های دانشجویان من در کلاس ۳۱۶ جامعه‌شناسی در

1. Ammbrose King

2. Locis Cheng, John Hurton, Bill Roy, Sam Surace and Maurice Zeitlin

3. Hagen Koo, Ravi Palat, Walter Goldfrank, Bob Stauffer, Pat Steinhoff and Steven Yeh

4. Don Topping

5. Suwarsono and Macrina Abenoja

6. Sungnam Cho

طول پنج سال گذشته نیز کمک بزرگی نموده است تا نظریات و بحث‌های خود در مورد تئوری‌های توسعه را تنفیح و شفاف نمایم.

به‌علاوه باید قدردانی خود را از استاد "هربرت برینجر" و استاد "جولون"^۱ که تخصص خود را در مورد پیدا کردن یک ناشر خوب در اختیارم گذاشتند، ابراز دارم. از نظرات منتقدانه دو بازنگر ناشناس از انتشارات سیج^۲ برای بازننگری نسخه دستنویس، بهره زیادی بردم. همین‌طور از "بلیس دانلی"^۳ که با حوصله فراوان پیشرفت کند نگاهش مرا تحمل نمود، تشکر می‌کنم. همچنین سپاس خود را تقدیم استاد "اورت وینجرت"^۴ می‌کنم که سه شکل فصل چهارم را با هنر تصویرگری خود آماده نمود و بالاخره مایلم مراتب حق‌شناسی خود را نسبت به هم‌مزم "جودی چان سو"^۵ نیز ابراز نمایم که با وجود بارداری، به‌گونه‌ای راسخ مرا به تکمیل این کتاب تشویق نمود.

در ایامی که من روی این طرح کار می‌کردم، پدر و مادرم درگذشتند. به همین دلیل می‌خواهم فرصت را غنیمت شمرده و این کتاب را به آنان تقدیم نمایم. والدینم با شادی‌ها و رنج‌های توسعه در این قرن زیستند و بیشتر مطالبی که من در مورد توسعه جهان سوم فرا گرفته‌ام، با خاطراتی از محبت‌های آنان قرین است.

آلین ی. سو

WWW.Kelob.ir

1. Joe Leon and Herbert Barringer
2. Sage Publications
3. Blaise Dannelly
4. Everett Wingert
5. Judy Chan So

www.ketab.ir

مقدمه

نقش نظریات توسعه

برای اندیشمندان علوم اجتماعی دشوار است که بدون دراختیار داشتن تئوری به انجام تحقیقات تجربی بپردازند. تئوری‌ها به آنان کمک می‌کند تا موضوعات اصلی مورد مطالعه را مشخص نموده، به طرح سؤالات دقیق و مشخص تحقیقاتی پرداخته و شواهد مورد لزوم را نیز برای تقویت بحث‌های خود معین نمایند. از این حیث، تئوری‌ها ابزارهای بسیار توانمندی برای تحقیقات به‌شمار می‌روند. تئوری‌ها، فرآیندهای اندیشه محققین را شکل می‌دهند، مبنایی برای چارچوب‌های سلیبی آنان فراهم می‌سازند و با هدایت نظریه تحقیقاتی، فهرستی از اولویت‌های تحقیقاتی را نیز برای آنان تنظیم می‌نمایند. از این گذشته، تئوری‌ها محقق را به پذیرش روش‌شناسی‌های معینی هدایت نموده و به بررسی مجموعه داده‌های معینی سوق می‌دهند. محققین همواره تحت تأثیر تئوری‌ها قرار دارند.

دلایل فوق‌العاده ایجاب می‌کند که دانشمندان علوم اجتماعی نسبت به تئوری‌ها وفادار باشند. وقتی محققین در چارچوب دیدگاه تئوریک خاصی قرار می‌گیرند، به تدریج به سمت یک دیدگاه "شعصابانه" رانده شده و تصور می‌کنند دیدگاه تئوریک آنان، بهترین دیدگاه را در آن رشته تشکیل می‌دهد. در نتیجه، آنها اغلب با دید تحقیر به سایر دیدگاهها نگریسته و گاه با جملات نقدگونه خود نسبت به آنها موجب شکل‌گیری بحث‌های داغ دانشگاهی و همین‌طور "کشمکش‌های تئوریک" در ادبیات موردنظر می‌گردند.

در اوج این کشمکش‌های تئوریک، بحث‌های دانشگاهی نیز غالباً به مباحثات ایدئولوژیک یا به کشمکشی میان تئوری‌های علمی "ما" و نظریات ایدئولوژیک "دیگران" مبدل می‌شود. در خلال دوره صف‌بندی ایدئولوژیک، محققین غالباً بکلی دیدگاههای تئوریک اردوی مقابل را از یاد می‌برند، چنانکه گویی هیچ نکته مثبتی در آثار آنان وجود ندارد. تنها پس از فرونشستن این غبار هیجانانگیز است که اندیشمندان اجتماعی اردوگاههای مختلف می‌توانند به یکدیگر نزدیک گشته و به‌طور جدی به غور و تأمل در بحث‌های متقصدین

خود بنشینند. اندیشمندان علوم اجتماعی با عبرت گرفتن از اشتباهات گذشته خود، معمولاً به تدریج به جذب نقاط قوت بحث‌های منتقدین در دیدگاه‌های تئوریک خود می‌پردازند. از دید یک نظاره‌گر بیرونی، این جذب و ادغام ممکن است چیزی بیش از افزودن محتویات تازه به ظرف‌های قدیمی نباشد، اما باید گفت کوشش برای ترکیب این دیدگاهها منجر به این می‌شود که خون تازه‌ای در شریان نظرات قدیمی جریان یافته و درهای جدیدی بر روی مطالعات تجربی گشوده شود.

تئوری‌ها را نباید موجداتی استابانه شمار آورد. آنان از یکسو تئوری‌های دیگر را مورد حمله قرار داده و از سوی دیگر به دفاع از استدلال‌های خود می‌پردازند. در واقع، آنها با همین درگیر ساختن خود در گفتگوهای تند تئوریک، به طور مرتب بر کارایی خود به‌عنوان ابزارهای تحقیق می‌افزایند. رشته توسعه، مثال کاملی است که در آن بوضوح می‌توان این پویای تغییر و تحول را در تئوری‌های مختلف مشاهده نمود.

سه مکتب غالب در رشته توسعه

رشته توسعه در اواخر دهه ۱۹۵۰ زیر نفوذ مکتب نوسازی قرار داشت. مکتب انقلابی وابستگی در اواخر دهه ۱۹۶۰، با سلطه آن به معارضة برخاست. در اواخر دهه ۱۹۷۰، با پیدایش مکتب نظام جهانی، دیدگاه دیگری برای بررسی مسأله توسعه پدیدار گشت و بالاخره از اواخر دهه ۱۹۸۰، نیز به‌نظر می‌رسد که هر سه مکتب به سمت نوعی تقارب و همگرایی پیش می‌روند.

این کتاب با قرار دادن نقطه تمرکز خود بر روی مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی کوشیده است به پاسخ‌هایی برای پنج گروه پرسش‌های زیر دست یابد:

- ۱- چه عللی موجب پیدایش این مکاتب سه‌گانه توسعه گردید؟ هر یک از مکاتب مزبور در کدام بستر تاریخی و با تکیه بر چه میراث تئوریک به منصفه ظهور رسیدند؟
- ۲- اختلاف این سه مکتب در چیست؟ مفروضات منحصربه‌فرد تئوریک، نظریات اساسی و سیاست‌های پیشنهادی خاص هر یک از آنها چگونه است؟
- ۳- هر یک از مکاتب مزبور به خاطر کدام مطالعات تجربی سنتی خود شهرت یافته‌اند؟ تا چه حد این مطالعات به تئوری‌های توسعه پایبند بوده‌اند؟
- ۴- علت حملات منتقدین به این مکاتب چه بوده است؟ چه لغزش‌هایی در نظریه‌ها و مطالعات تجربی سنتی آنان وجود داشته است؟
- ۵- هر یک از مکاتب مزبور چگونه به منتقدین خود پاسخ گفته‌اند؟ میزان جذب دیدگاه‌های مثبت منتقدین در نظریات آنان تا چه حد بوده است؟ بالاخره مطالعات تجربی «جدید»، تا چه حد با مطالعات اولیه آنان فاصله دارد؟

این کتاب بر آن است تا از طریق پاسخ به سؤالات فوق، به بررسی و مروری بر نحوه شکل‌گیری، تغییرات تکاملی و دگرگونی هریک از سه مکتب مسلط توسعه پردازد. نخست، ماهیت پویای مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی از خلال حملات و انتقادات آنان نسبت به یکدیگر و دفاع از خود در طول سه دهه اخیر آشکار گردیده و روشن می‌شود که چگونه هر یک از آنها در جریان شرکت در این مناقشات نظری، خود نیز دچار تحول و دگرگونی گشته‌اند. در وهله بعد، نقش و تأثیر هر یک از نظریات مزبور در مطالعات تجربی مطرح خواهد شد. در جریان این بحث روشن می‌گردد که تغییر در دیدگاه‌های تئوریک، همواره تغییراتی را نیز در سؤال‌ها، موضوعات، روش‌شناسی‌ها و نتایج تحقیقات به دنبال دارد. هدف نهایی این کتاب نشان دادن موقعیت بارز و ممتاز دیدگاه نظام جهانی است. گرچه ادبیات دو مکتب نظام جهانی و وابستگی غالباً با یکدیگر در آمیخته است، اما ما در اینجا استدلال خواهیم کرد که هر دو مکتب از نظر چارچوب‌های تئوریک، موضوعات اصلی تحقیق، روش‌شناسی‌ها و مطالعات تجربی خود کاملاً با یکدیگر فرق دارند. مکتب نظام جهانی برای نخستین بار به انجام یکسری مطالعات ابتکاری در خصوص دوره‌های تناوبی اقتصاد جهانی سرمایه‌داری دست زد که از محدوده مطالعات وابستگی نیز فراتر می‌رود.

سازماندهی کتاب

کتاب حاضر به سه بخش تقسیم شده است و هریک از بخش‌ها نیز به ترتیب به بررسی یکی از مکاتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی اختصاص دارد. هر بخش شامل سه فصل بوده و سازماندهی فصول نیز در همه بخش‌ها یکسان است. نخستین فصل به ارائه بستر تاریخی، پیاده‌های تئوریک، نظریات اصلی، فرض‌های اساسی و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دنبال شده از سوی هریک از مکاتب مورد بحث می‌پردازد. فصل دوم به بررسی مطالعات تجربی اولیه در هر یک از مکاتب مزبور پرداخته و نقاط قوت و همچنین انتقادات وارده بر نظریات کلاسیک را مطرح می‌سازد و فصل سوم، نیز به بررسی پاسخ‌های ارائه شده در برابر منتقدین، مطالعات تجربی "جدید" و نقاط قوت نظریات جدید در هر مکتب می‌پردازد.

من در معرفی این سه مکتب، رویکردی را انتخاب کرده‌ام که می‌توان آن را "تفسیر جوانمردانه" نام گذاشت. مثلاً در بررسی نظریات اصلی مکتب نوسازی، با دیدگاه یک محقق نوسازی وارد گشته‌ام؛ یعنی در موضع یکی از طرفداران این مکتب قرار گرفته و کوشیده‌ام با ارائه هر چه مستحکم‌تر نظریات نوسازی، خواننده را نسبت به شایستگی‌های آن متقاعد سازم. با این وجود جانب انصاف را نسبت به دو مکتب دیگر نگاه داشته، به بررسی «جوانمردانه» تحقیقات و نظریات آنان پرداخته‌ام. به بیان دیگر، بهترین استدلال‌های آنان را پیش کشیده و از نقاط ضعف آنان صرف‌نظر کرده‌ام. تنها در بخش‌های انتقادات است که من نقش یک نقاد را به

خود گرفته و در این نقش کوشیده‌ام به خواننده بقبولانم که در واقع اشکالاتی جدی در نظریات و تحقیقات مکتب مورد بحث وجود دارد. چون منظور این بوده که کتاب حاضر به‌عنوان یک کتاب درسی مورد استفاده قرار گیرد، امیدوارم که این شیوه ارائه مباحث، دانشجویان را وادار سازد که خود درباره مسائل مهم توسعه بیندیشند. آنان، خواه به‌عنوان طرفداری از یک مکتب خاص و خواه به‌عنوان هواداری از بحث‌های منتقدین آن، ناگزیرند دیدگاه‌های مستقل خاص خود را داشته باشند.

به این نکته نیز باید اشاره شود که تمرکز این کتاب بیشتر بر روی خود نظریه‌ها و نه مبتکرین آنها است. در نتیجه اسامی نظریه‌پردازان تنها در صورتی عنوان خواهد شد که نظریات و مطالعات تجربی آنان توانسته باشد نمونه‌های مفیدی از رویکرد نوعی مکتب‌نوسازی، وابستگی و نظام جهانی ارائه کند. بدیهی است که بررسی و مرور همه نظریات و مطالعات تجربی خوب در زمینه توسعه از حد توان این کتاب خارج است. بر همین اساس روش کتاب حاضر نیز این است که به جای طرح تعداد بی‌شماری از این نظریات به‌طور تصادفی، حدود دوازده نظریه اساسی و بیست و چهار مطالعه تجربی را با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار داده و محتوای آنان را برای ادبیات توسعه تشریح نماید.